و نار بیست مثقال زر سرخ و نقره بر بیست درم زکوة واجب نباشد و چون باین مقدار برسد در بیست مثقال نیم مثقال واجب شود و در دو
بیست درم پنج درم و هر چه زیادتی بر این باشد بحساب و عفو و تا یک سال تمام نگذرد و آن درمها که بقیاب تمام زکوة واجب نباشد و
نصاب که مقرر کردیم زر و نقره زکوة تمام گذشته و اگر مثلا زر و نقره خریده که بهای محتاج
دهد و یا فلوس و یا بدل و زر و نقره دهد و آن باشد بلکه طریق آن بود که مشتری صد جمع کند و بایست آنرا
کند و اگر زر و یا نقره منقش دارد زکوة واجب نباشد تا وقتی که آن نقش چنان بود که بنقد آن بزند و بدل آنرا بهم نقش کنند معاملت کرده در
آب اگر هم امام را زر خدا هم منقش کرده است و اگر بعضی از نصاب خرد است وی باشد و بعضی بر عزت بود مو حل بحساب که مالک
و در سبیکه زر و نقره زکوة واجب شود و در زیادت و اول و در زیادت زکوة واجب نباشد و در حلی مباح زکوة واجب نیست و در خطوط واجب
است و در آب آن زر و نقره و ملعقه و غیر آن و کاسه زکوة واجب است و حلی مباح است که زن زر آویخته و یا با آویخته و یا انگشتری
و زر و نقره آن بر خود ساخته باشد و با هم دادن زنان زر و کنیزک و یا از برای آنکه بکسی عاریت دهد که استعمال آن بر وی روا است و
حرام است که مرد از برای آن تا خود استعمال کند ساده کرده باشد یا با جاره دهد که استعمال آن از برای وی حرام است و باز زیور مردان
چون کمر و شمشیر ساده کرده باشد و خود استعمال کند یا بکسی باجاره دهد که استعمال آن بر وی حرام است و استعمال کردن زر و نقره بر مردان حرام است
اگر هم و زنانه انگشتری بود و کسی که بنی باشد انگشتر و وی بر بنی باشد روا باشد و بر هم زدن حرام است و احتیاط صاحب تنبیه رحمه الله علیه
انگشتری نقره کردن حرام نیست و دستار و بجز و طوق نقره بنی جهت زنان حرام است و بر مردان حرام است و زنان را استعمال
زر فتوی است که حرام نیست و مرد را لاستن آلات جنگ چون شمشیر و نیزه و تیر و چوشن و کمر و زین و موزه بنقره و داشتن و استعمال زر
و بجا حرام است و زنان را استن آلات جنگ بزر و نقره حرام است و انواع آلات از زر و نقره چون طوق و انگشتری و دست آویز و بجز و یا
آویخته و تخوید ها و نقاره و آست لگر عادت زنان بنقره باشد که تاج بوشد استعمال آن از برای ایشان روا باشد و الا روا نباشد
و اگر درم شوطاج کردن را در قلادهٔ اندازد استعمال آن بر زنان حرام باشد و هر زیور که از برای زنان مباح است یا بلکه استعمال آن بر زنان
حرام است که اسراف کرده باشد خود بای او و بجز بود و بسته مثقال شد و اگر بر مرد انگشتری بسیار باشد بای او بجز بسیار ساده باشد یا نگین
بر آن نگین بر بندد و باشد و از آستن کاه و دو تکلمان و دوات و مقراض و کعبه و مسجد خانه و رفتن و او بجز و قندیل مهار و نقره و زر اندود
کردن [illegible] و دادن حرام است **نوع چهارم** در زکوة تجارت است و مال تجارت بسال است که قصد خرید
و فروختن [illegible] کرده باشد و در وقت اکتساب بجا و عوض و بجز و نیت تجارت در مال تجارت و یا در وقت قبول بخشش و وصیت
ما تجارت نشود و چون تجارت ثابت شد از برای هر معامله محتاج بنیت نباشد و باید که یک سال بر مال تجارت بگذرد تا
زکوة بر وی واجب شود و اگر در اثنای سال باید که بنصاب بود و الا زکوة واجب نباشد و اگر در میانه سال نقد شود و نصاب آنها باشد حول منتقل
شود و ابتدا حول کند و ابتدا حول تجارت از وقت خرید بدان بود بجهت آنکه اگر بعوض خریده باشد و یا بنقد که کم از نصاب بود
از قیمت مال تجارت آن اندازه چون نصاب بود باشد و هر زیاده در مال تجارت حاصل شود بر نقد شد وی حول آن حول اصل باشد

و یا بعد [illegible] حول آن حول اصل نباشد تا اگر خرید بیست درم بخرید و در میانه سال بیست درم بر وقت مثلا و بیست درم دیگر داشت
تا آخر سال و یا بعد بر وی آید و نگه داشت تا آخر سال چون سال اهل تمام شود زکوة دویست درم بدهد چون از وقت خرید
سیصد درم سال بگذرد زکوة آن صد درم که در حق است بدهد اگر مال تجارت چنین بود که در بیست درم زکوة واجب شود زکوة
و گوسفند اگر عین آن بنصاب رسد زکوة عین واجب و زکوة زکوة تجارت مگر که حول تجارت سابق بود یا بعد رسید عین آن بگذرد زکوة تجارت
و اجل آن و زمان آن حول زکوة عین و اگر عین بنصاب نرسد زکوة تجارت واجب بود و در مال تجارت زکوة بقیمت تعلق گیرد چون تمام سال
شود اگر بنقد خریده باشد بدان نقد قیمت کند و ربع عشر دهد از بیست مثقال نیم مثقال و از دویست درم پنج درم اخراج کند و اگر بعوض خریده
باشد بقیمت استقبال قیمت کند و زکوة بدهد و تفاوتی ناچیز در مال تجارت بیع بعد از وجوب زکوة و پیش از اخراج حرمت آید و اگر مال
تجارت بسیار و بها بنده بود چون وقت وجوب اقامت بنده عید و مکاتب باشد زکوة فطر واجب شود و با آخر حول مملوک تجارت و در بنده
چون بمیرد زاید و تلاح شود عشر واجب شود و در آخر سال زکوة تجارت و اگر در بنا جند بطریق قرض بگیرد بنده دست در خطا آورد شد چون
سال تمام گردد زکوة بیع و اصل بر مالک واجب کرده و اگر زکوة آن مال قرض کند در آخر باشد از برای سال **نوع پنجم** در زکوة زر کان است
و معدن و کان زر و نقره است که بضرب جاهلیت در موات و با ملک خود بیابد و نصاب تمام باشد زر وی چند واجب شود و معرف آن معرفی زکوة
است و اگر سکه اسلام باشد و کافر کان را داند بروی بر کند و اگر نداند که سکه اسلام است یا سکه جاهلیت هم لقطه باشد
و اگر هم موجود و باشد آنچه یافته باشد لقطه باشد و اگر در ملک بنده یافته باشد ملک بنده بود و اگر میان بنده و مولی و یا میان مکاتب و مکاتب نزاع آید
در قرآن تعلق بصاحب برده و برادر دیگر بنده و احرار و نقره که از کان بدر آرند چون بنصاب رسد تمام باشد و یکی از جنس وی از عنبر کان
کند و واجب شود و اگر وی زر عشر باشد و حول در آن شرط نیست در هر وقت یابد بدهد هم کند چون عملش بهای بود **نوع ششم** زکوة
فطر است و زکوة فطر بر وجه آن است که عید واجب کرده تا اگر بعد از عید وفات آب مالک بنده شد یا زنی در نکاح او آمد یا زنش ولد آورد
فطر ایشان واجب نباشد و اگر بعد از عید زن بشوهر داد و زن را طلاق داد و فطر ایشان واجب بود و فطر بر کسی واجب بود که
آزاد و مولی باشد و از آزاد و مولی باشد که فطر و نفقه نفس خویش واجب باشد و اگر بر بنده و یا قریب مسلمان باشد فطر بر وی واجب بود و بر بنده فقیر
است و از آن غیر است واجب نیست بلکه فطر و وی بر سید بود و اگر بنده مسلمان بود و فطر زن و بر سید کنیزک بود و اگر کنیزک بود و نفس
زن اگر حر بود و بسیار داد و بر مکاتب فطر و نفس وی واجب نیست و نه بر سید نیز و بر معتق فطر نفس خویش و عبدی لازم نیست و هر که
استدانه فوت خویش و فوت اهل که در نفقه وی اند در شب عید و روز عید چندان فاضل بیابد که بنده دهد معلوم است که ممکن بعض از
او دستجامه و نیز نیز محتاج بود بخدمت وی فاضل بود و اگر چندان دین بروی بود که مستغرق مال وی بود فطر واجب نیاید
و هر که نفقه وی بر دیگری واجب بود فطر وی نیز بر وی واجب و اجب بود در صورت معتق و اول صورت اولی نفقه مرد بدر بر پسر واجب
است و فطر واجب نه صورت دوم بر مسلمان نفقه بنده کافر و قریب کافر واجب است و فطر واجب نه صورت سیم در کسب بنده نفقه و کسوه بر
واجب است و فطر واجب نه و فطر بنده منقطع الخبر بر سید وی واجب است و اگر فطر عبدی با دزدی داد و یا بغرت کند که فطر ساقط شد

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)